

با مردم

شماره تلفن ارتباط با خوانندگان: ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۷۷

کسر ۲ درصد درمان از بازتنشستگان عادلانه نیست

هر ماه در قیش حقوقی بازتنشستگان تأمین اجتماعی مبلغی معادل ۲درصد بابت درمان (ماده ۸۹) از حقوق و مستمری بازتنشستگان کسر می‌شود. این موضوع از منظر تفاوت میزان حقوق‌ها و بالطبع کسورات کمتر و بیشتر مبالغ در کنار خدمات درمانی یکسان، به‌نظر امری انشیاه و ناعادلانه است و باعث تضییع حق بسیاری از افراد می‌شود. زیرا همه سطوح بازتنشستگان و مستمری‌بگیران به نوعی به مساوات از خدمات پزشکی و درمانی بیمه تأمین اجتماعی برخوردارند ولیکن در کسورات حقه بیمه تفاوت دارند و افراد دارای حقوق و مستمری بیشتر، کسورات بالاتری در این ارتباط در فیش‌شان منظور می‌شود درحالی‌که میزان و کیفیت استفاده از خدمات درمانی برای تمامی سطوح مستمری‌بگیران یکسان است. حال چرا برخی باید بابت خدمات یکسان هزینه کمتری پرداخت کنند و گروهی دیگر هزینه‌های به‌مراتب بالاتر؟ لذا به‌علت وجود خدمات یکسان درمنی برای کل بازتنشستگان و مستمری‌بگیران، عدالت بیمه‌ای حکم می‌کند اولاً هزینه خدمات درمانی به‌صورت رایگان برای کلیه احاد و اقدار بازنشسته اعمال شود و ثانیاً درصورت عدم‌امکان این امر، رقم ثابتی از کلیه سطوح کسر شود و رقم معقولی درنظر گرفته شود.

فاجعی، بازنشسته تأمین اجتماعی از تهران
سایپا به قیمت اعلام شده قطعی یابیند باشد
خودروی سایپا اس دو گانه‌سوز قبلاً قیمتش مشخص نبود و سایپا با تخلف در پیش‌فروش این خودرو قیمت جدیدی هم که اعلام کرده بسیار غیرمنصفانه است و قانون عدم‌اعمال گرانی به نسبت پیش پرداخت در آن رعایت نشده است. مگر نه اینکه این خودرو با مشخصات ثبتی محصول در سایت سایپا توسط شورای رقابت کشف قیمت شده پس چرا سایپا خودسرانه و بدون توجه به تعهد قبلی دستگاه‌های نظارتی، راه خودش را می‌رود؟

ریبعی از اراک

پیکام
ارسال پیام‌کوتاه خوانندگان: ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

تفکیک کنتور آب برای واحدهای مجتمع های مسکونی اجباری شود

اغلب در مجتمع‌ها و آپارتمان‌ها کنتور آب مشترک است و اگر در مصرف و پرداخت هزینه آب یک واحد رعایت نکند ممکن است مال کل مجتمع قطع شود. در همه مجتمع‌ها هم معمولاً یک یا چند واحد هستند که رعایت نمی‌کنند و تذکر هم فایده‌ای ندارد. حال سازمان آب به جای اینکه فکری به حال تفکیک کنتورهای هر واحد کند در اطلاعیه‌هایی تند و شديدي می‌گوید این موضوع به مارتبی ندارد و ما آب کل ساختمان را قطع می‌کنیم تا بی گناهان هم تنبیه شوند تا همسایه‌ها از شرم رعایت کنند! کجای این موضوع عادلانه است، واقعاً این روش‌ها از ذهن چه کسانی تراوش می‌کند؟ راه‌حل ساده، تفکیک کنتورهای آب است تا هر کس پاسخگوی عمل خود باشداز مقامات قضایی و دیوان عدالت اداری تقاضای رسیدگی به این ظلم فاحش می‌ی‌رود.

کاهه روحانی از تهران
روستای «قراچه فیض‌الله» شهرستان مرند دکل ایرانسئل ندارد متأسفانه روستای قراچه فیض‌الله شهرستان مرند دکل ایرانسئل ندارد و افراد ساکن این روستا که سهم کارت ایرانسئل دارند عملاً قادر به استفاده از آن نیستند وقتی اپراتورهای مثل ایرانسئل در سطح وسیع برای جذب مشترک اقدام می‌کنند و وعده وعید می دهند ملزم به پشتیبانی و فراهم آوردن امکانات استفاده از خدماتشان هم هستند. **حمیدرضا از روستای قراچه فیض‌الله مرند**

ساعت حرکت آخرین قطار مترو به قبل از کرونا بازگرد
آخرین ساعت حرکت مترو همچنان قبل از ساعت ۲۲ و ۳۰ است و بسیاری از مسافران از استفاده از مترو یازمی‌مانند.قبل از کرونا ساعت ۲۲ و ۳۰ آخرین قطار مترو حرکت می کرد که به بهانه کرونا قبل از این ساعت حذف شد و تاکنون راه‌نیشاده است. باتوجه به ویژگی‌های تهران، حضور پرسنل شیفت مترو و نیز نبود خط بی آر تی در بسیاری از مناطق تهران پیششاده می‌شود ساعات کار مترو حتی تا ۱۲ شب افزایش یابد.

مژبنائی از تهران

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

تشخیص لوازم آرایشی اصل از تقلبی بسیار سخت شده است چند سالی است که تعداد برندهای متفرقه و ناآشنا در بازار لوازم آرایشی بالا رفته است.از طرفی مشابه تقلبی و به اصطلاح فیک برندهای قدیمی و آشنا هم به وفور زیاد شده که تشخیص اصل و از تقلبی بودن آن نیاز به متخصص دارد.اهفته گذشته عطری از یکی از مراکز معتبر و معروف خریداری کردم که پس از مراجعه به منزل و چک کردن بارک آن در سایت اینترنتی‌اش فهمیدم که اصل نیست درحالی‌که فروشنده قیمت اصل را از من دریافت کرده بود. لوازم آرایشی و عطر با سلامت مردم مرتبط است و باید جلوی ورود این قبیل اجناس تقلبی گرفته شود.

ایستگاه‌های شارژ وسایل نقلیه برقی در شهرها ایجاد شود
با توجه به برقی شدن تدریجی وسایط نقلیه موتوری و واردات این وسایل به کشور و به‌منظور تأمین هوای پاک به‌خصوص در شهرهای بزرگ، ضروری است نسبت به ایجاد محل‌های متعدد شارژ این وسایل برقی نوظهور، از هم‌اکنون اقدامات پیش‌بینی‌های لازم و تمهیداتی مورد نیاز در شهرها و بین راه‌ها انجام شود.

آبیاری فضای سبز عمومی اصولی انجام شود
ضمن تشکر و خسته نباشید به کارگران و باغبانان شریف و زحمتکش شهرداری درخواست دارم تا این عزیزان نسبت به آبیاری فضاهای سبز عمومی مثل پارک‌ها و یا باغچه‌های کنار پیاده‌رو و اوتوپان‌ها، باقت بیشتری انجام دهند. بارها شاهد بودام که مقدار زیادی آب برای یک فضای کوچک مصرف شده و یا شلنگ آب برای مدتی طولانی در چمن‌رها شده است.با توجه به اینکه کشور ما همیشه با بحران کم‌آبی روبه‌روست این قبیل بی‌مبالاتی‌ها ما را به سمت کاهش‌های سوق می‌دهد.

اصلاتی از تهران

محمد جعفری
روزنامه‌نگار

خانواده‌های بیشتری پس از مرگ مغزی عزیزان‌شان با اهدای

وداع تلخ یا مادر

یکی از این آزن که نامش برای همیشه جاودان شده مریم دیباغ تفرشی نام داشت. زنی ۰ عساله اهل قالم شهر که چند روز پس از سکنه، وقتی یزشکان اعلام کردند او دچار مرگ مغزی شده و بازگشتش به زندگی امکان پذیر نیست خانوادهاش با اهدای اعضای بدن او به بیماران نیازمند موافقت کردند. نگار شیرین دل دانا، تنها فرزند این زن است. با وجود اینکه چند هفته‌ای از فوت مادرش گذشته هنوز هم وقتی درباره او صحبت می‌کند بغض دارد. او می‌گوید: مادرم همه چیز من بود، اما حیف که خیلی زود او را از دست دادم. او در ادامه حادثه‌ای را که منجر به مرگ مغزی مادرش شده اینطور بازگو می‌کند: روز حادثه من در خانه نبودم. آن روز مادرم به حمام رفته بود و پدر، مادر بزرگ و پسر ۱۴ساله‌ام در خانه حضور داشتند. او ناگهان در حمام دچار مشکل شد و کمک خواست. وقتی مادر بزرگ و پدرم سراغش رفتند روی زمین افتاده بود. ماچرا را به من خبر دادند و من هم خودم را به خانه رساندم.

او در ادامه می‌گوید: گویا فشار مادرم یکباره بالا رفته و او دچار سکنه مغزی شده بود. طوری که وقتی امدادگران اورژانس به خانه‌مان آمدند گفتند فشار مادرم به ۲۷ رسیده است و در این شرایط او را به بیمارستان منتقل کردند. مادرم هیچ حسی نداشت. گفتند دچار خونریزی مغزی شدیدی شده است و هرچه تلاش کردند نتوانستند او را نجات دهند و سرانجام دچار مرگ مغزی شد.

دختر داغدار اینسن زن درباره ماجرای اهدای عضو می‌گوید: وقتی از ما خواستند که اعضای بدن مادرم را اهدا کنیم، با پدرم مشورت کردم و او هم گفت اگر توارضی باشی من حرفی ندارم و به این ترتیب مادرم به بیمارستان امام خمینی تهران منتقل و اعضای بدنش به بیماران نیازمند اهدا شد. حالا کل از کاری که کرده‌ام رضایت دارم چرا که با این کار قلب مادرم هنوز زنده است و هرچند خودش دیگر بین ما نیست اما اعضای بدنش باعث نجات چند نفر شده است.

حوادث

خانواده ۲بیمار مرگ مغزی با اهدای اعضای بدن عزیزان‌شان جان چندین بیمار را نجات دادند

روایت غم‌انگیز ۲ابنثار

اعضای بدن آنها به بیماران نیازمند موافقت می‌کنند. در تازه‌ترین مورد خانواده آزن در کرج، نظر از قائم‌شهر وقتی اطمینان یافتند که عزیزان‌شان دچار مرگ مغزی شده و دیگر به زندگی بر نمی‌گردند اعضای بدن آنها را هدیه کردند.



اهدای اعضای بدن دختر به یاد پدر

سومین نفری که اهدای اعضای بدنش جان دوباره‌ای به چندین بیمار داد عطیه جعفر صالحی نام داشت. دختری ۲۲ساله، ساکن کرج. او نیز بر اثر مرگ مغزی بدن دچار مسمومیت شد و جانش را از دست داد. گل‌نساء یوسف رشیدی، مادر عطیه درباره حادثه‌ای که برای دخترش اتفاق افتاد و ماجرای اهدای اعضای بدن او می‌گوید: دخترم مدتی بود که به خاطر استرس دارو مصرف می‌کرد اما نمی‌دانم چطور شد که یک شب بعد از مصرف داروهایش دچار حال بدی شد. او خوابید اما ساعت ۴صبح از خواب پرید و گفت حال بد است. او را فوراً به بیمارستان رساندم. در آنجا گفتند عطیه دچار مسمومیت شده است و تلاش زیادی برای بهبود حالتش انجام دادند اما با کاهش سطح هوشیاری‌اش به کما رفت و یک روز بعد گفتند که دچار مرگ مغزی شده است. باورم نمی‌شد که دخترم را در ۲۲سالگی از دست دادم. او را تنها فرزندم



زن نویسنده برای تبلیغ کتابش قاتل شد

منتقل کردند. همه شواهد نشان می‌داد که این مرد بر اثر مصرف نوشدنی الکلی جانش را از دست داده است، اما همه اینها شروع نقشه‌ای بود که کوری ریچنز در سر داشت.

نوشتن کتاب

زن ۳۳ساله مدتی بعد از مرگ شوهرش شروع به نوشتن کتاب کرد. کتابی با عنوان «من هستی»؛ یک کتاب مصور که به کودکان کمک می‌کرد چطور با مرگ یکی از عزیزان‌شان کنار بیایند. کوری پس از نوشتن کتاب، برای تبلیغ آن در یک برنامه تلویزیونی شرکت کرد. برنامه‌ای که یک شبکه محلی پخش شد. او در این برنامه گفت: «شوهرم سال گذشته به‌طور غیرمنتظره‌ای از دنیا رفت. او ۳۹سال داشت. این موضوع همه ما را شوکه کرد. ما ۳پسر کوچک،

۹،۱۰ و ۶ساله داریم و من و بچه‌هایم این کتاب را درباره احساس غمی که در سال گذشته تجربه کرده‌ایم، نوشتم.» او همچنین در پاسخ به مجری برنامه درباره

زنی در آمریکا، شوهرش را به قتل

رساند تا کتابی درباره‌ کمک به کودکانی بنویسد که یکی از عزیزان‌شان را از دست داده‌اند. او برای تبلیغ کتاب در یک برنامه تلویزیونی حاضر شد غافل از اینکه رازش به زودی فاش می‌شود. به گزارش همشهری به نقل از نیویورک پست، یک‌سال پیش کوری ریچینز ۳۳ساله که مادر ۴فرزند است با مسموم کردن نوشیدنی شوهرش، او را به قتل رساند. او صبح روز بعد با اورژانس تماس گرفت و مدعی شد که شوهرش درحالی‌که در اتاقش در خواب بوده، جانش را از دست داده و بدنش کاملاً سرد است. به‌دنبال تماس او، نیروهای اورژانس راهی خانه این زن شدند و جسد شوهر ۳۹ساله او را به بیمارستان



انگیزه‌اش از نوشتن کتاب گفت: می‌خاستم به همه بگویم که به‌عنوان یک همسر، چگونه باید با فرزندنام غمه بخورم، چگونه به آنها کمک کنم تا بفهمند چه اتفاقی افتاده است. این مصاحبه تلویزیونی، تبلیغات مناسبی شد برای کتابی که زن جاینگار نوشته بود. حالا بیشتر مردم شهرها و راور می‌شناختند و کتابش را می‌خریدند. تا اینکه مدتی قبل پزشکی قانونی گزارش خود درباره علت مرگ شوهر کوری ریچنز را صادر کرد. گزارشی که نشان می‌داد این مرد مسموم شده و به قتل رسیده است. بررسی‌ها نشان می‌داد که در نوشیدنی او مقدار

زیادی سم وجود داشته است. با کشف این حقیقت، مأموران به شواهد دیگری دست یافتند که نشان می‌داد زن جوان قاتل شوهرش است. مأموران فردی را که به این زن سم فروخته بود شناسایی کردند و از سبویی معلوم شد که این زن از مدت‌هاقبل با شوهرش دچار اختلافاتی بوده و حتی بیمه‌عمر او را به نام خودش زده بود و پیش از این نیز چندین بار تلاش کرده بود شوهرش را مسموم کند. با این اطلاعات، کوری ریچنز دستگیر شد و حالا دادگاهی شده و به قتل رسیده است. او همچنین بررسی‌ها نشان می‌داد که در نوشیدنی او مقدار

سر نوشت متفاوت ۵محکوم پای چوبه دار

سحر گاه دیروز ۴قاتل و یک متجاوز که محکوم به مرگ شده بودند به سالن اجرای احکام زندان رجایی شهر منتقل شدند اما در میان آنها تنها مرد متجاوز اعدام شد

مرد متجاوز به دار مجازات آویخته شد	غیبت نجات‌بخش آقای وکیل	جنایت؛ پایان دوستی خاله خر سه	درگیری مرگبار	جنایت مقابل قهوه خانه
<p>به گزارش همشهری، تنها مردی که دیروز به دار مجازات آویخته شد، هفدهم شهر یوس سال ۹۶زنی جوان را قربانی نیت شوم خود کرده بود. زن جوان در شکایت خود گفته بود: همسر یکی از دوستان صمیمی‌ام به من زنک زد و گفت حال دوستم خوب نیست و درخواست کمک کرد. من بی‌خبر از همه جا راهی خانه دوستم شدم که به وی کمک کنم اما به محض ورود به خانه، متوجه شدم که شوهرش تنهاست دوستم به خانه‌اقوامش رفته است. شوهر او پس از ورود من به خانه، در را قفل و با زور و تهدید و بی‌توجه به التماس‌هایم مرا قربانی نقشه شوم خود کرد. بعد تهدید کرد که اگر حرفی از این اتفاق هولناک بزنم، جان خودم و اعضای خانواده‌ام را می‌گیرد. به‌دنبال شکایت این زن، مرد متجاوز دستگیری شد و در شعبه دهم دادگاه کیفری ای‌ام مجرم‌گناه رفت. وی جرم خود را پذیرفت و اظهار ندامت کرد اما قضات او را به اتهام تجاوز به عنف و اعدام محکوم کردند. با تأیید این حکم از سوی قضات دیوان عالی کشور، وی دیروز به دار مجازات آویخته و برپنده‌اش برای همیشه منخومه شد.</p>	<p>دومین محکوم به مرگ، دوم تیر ۹۹شریک خود را به خاطر بدهی ۶۰۰میلیونی به قتل رسانده بود. وی روز حادثه شریکش را به بهانه چین گیلان به روستایی در منطقه سولقان گم‌گنانه و پس از قتل، جسد وی را در گودالی در کوهستان انداخته بود. او پس از دستگیری اعتراف کرد که به خاطر بدهی ۶۰۰میلیونی به مقتول دست به این جنایت زده است. وی در دادگاه به قصاص محکوم شد که قضات دیوان عالی کشور مهر تأیید بر آن زدند. نام این مرد در لیست اعدای‌ها قرار گرفته بود و سحر گاه دیروز به سالن اجرای احکام زندان رجایی شهر منتقل شد اما بخت با او یار بود که وکیل اولیای دم حضور نیافت و قاتل قصاصی نشد.</p>	<p>سومین محکوم مردی بود که به بهانه سررم‌ما به گذاری، جان مادر دوستش را گرفتگی بود. این حادثه بانزدهم دی ۱۹۹تفاز افتاد. عامل جنایت که مدت‌ها بود بدهی بسال آورده بود وقتی متوجه شدد مادر دوستش پول زیادی در حسابش دارد، نقشه قتل او را کشید. وی در بازجویی‌ها گفته بود:مقتول را به بهانه سررم‌ما به گذاری و قتل رساندم و سسندش را داخل ویلا به انداختم. بعد از قتل، طلاهایش را سرقت و حساب وی را خالی کردم تا بدهی‌هایم را بپیر دازم اما در نهایت لسو رفتم. عامل جنایت به قصاص محکوم و برپنده‌اش پس از تأیید رای، به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. مقتول یکی از دوستان قاتل بود و آنها از مدتی قبل با یکدیگر دچار اختلافات مالی شده بودند تا اینکه روز حادثه قاتل با ضریبات چاقو جان دوستش را گرفت. او دیروز قرار بود قصاص شود اما با التماس از اولیای دم خواست تا او را ببخشند. در واپسین لحظات، اولیای دم به قاتل مهلت دادند و به این ترتیب حکم مرگ او اجرا نشد.</p>	<p>چهارمین مرد اعدای ششم بهمن سال ۹۴در جریان یک درگیری مرتکب جنایت شده بود. مقتول یکی از دوستان قاتل بود و آنها از مدتی قبل با یکدیگر دچار اختلافات مالی شده بودند تا اینکه روز حادثه قاتل با ضریبات چاقو جان دوستش را گرفت. او دیروز قرار بود قصاص شود اما با التماس از اولیای دم خواست تا او را ببخشند. در واپسین لحظات، اولیای دم به قاتل مهلت دادند و به این ترتیب حکم مرگ او اجرا نشد.</p>	<p>آخرین اعدای چهاردهم آذر سال ۹۸مقابل قهوه خانه‌ای در مسعودیه به مرتکب جنایت مسلحانه شد. وی روز حادثه با دوستانش به مقابل قهوه خانه رفت و آنجا را به رگبار بست. در این حادثه راننده تاکسی اینترنتی و مردی جوان به قتل رسیدند و پسر ۱۳ساله با شلیک گلوله مجروح شد. تحقیقات نشان داد، متهمان با تعدادی کتفرفی ۲قره در حضور از ورابین به مقابل قهوه خانه رفتند و قصد داشتند از فردی که با وی در فضای مجازی کری خوانی داشتند و به آنها توهین کرده بود انتقام بگیرند. اینسن در حالی بود که ۱۹ساله بود. آنها هم در جست وجوی کار بودند که به دام آدم‌ربایان افتاده بودند. آنها می‌گفتند که قرار بوده به‌زودی خانواده‌هایشان پول را تهیه و به‌حساب آدم‌ربایان واریز کنند تا آزاد شوند. آدم‌ربایان به حدی گروگان‌ها را تهدید کرده بودند که آنها از ترس جان خود و اعضای خانواده‌شان، جرأت نمی‌کردند از اسارت‌شان نجات‌شان تا مجاب‌بایی سرشان بیاید. اغلب آنها مجوز قانونی برای زندگی در ایران را نداشتند و می‌ترسیدند پس از خروج از خانه دستگیر شوند. بنا بر این گزارش، تیمی از مأموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران به دستور قاضی غلیم سهرابی تحقیقات خود را برای بازداشت متهمان آغاز کرده‌اند.</p>

هم‌شهری

کوتاه از حادثه

پایان سلطان کوکائین ایران

حسین پنجک، سلطان کوکائین ایران و آنفر از همدستانش که ۹سال قبل دستگیر و زندانی شده بودند صبح دیروز اعدام شدند.

به گزارش همشهری، این قاچاقچی حرفه‌ای که بزرگ‌ترین باند قاچاق کوکائین به کشور را راه‌اندازی کرده بود، پس از سال‌ها شراوت و قاچاق در سال ۹۲ همراه با هفت دیگر از نفرات باندش دستگیر شد. مأموران در جریان دستگیری اعضای این باند موفق شدند ۲کیلو کوکائین از آنها کشف کنند. حسین که در زمان دستگیری ۳۲سال داشت پیش از آن ۱۷مرتبه به اتهام‌های گوناگون دستگیر و زندانی شده بود. این بار اما او به پایان خط رسید.



او و همدستانش با شگردهای مافیایی محموله‌های کوکائین

را از کشورهای آمریکا جنوبی وارد کشور می‌کردند و فقط واردکننده موادمخدر از نسوع کوکائین بودند و در تهران و شهرهای اطراف فعالیت می‌کردند. شاید به همین دلیل بود که او در مدت کوتاهی بین دوستانش به سلطان کوکائین ایران مشهور شد. او از این راه توانسته بود به ثروتی افسانه‌ای دست پیدا کند. طوری که پلیس هنگام دستگیری آنها افسانه‌ای شناسایی چندین دستگاه خودرو لوکس، جنسینس و... یک قایق تفریحی لوکس متعلق به آنها که در یکی از بنادر شمالی کشور پهلو گرفته بود را نیز کشف کرد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌داد سال ۹۳سر کرده باند و همدستانش که اغلب از بستگانش بودند به بهانه رسیدن در آمدشان به ۴۰میلیارد تومان، جشن مفصلی در کرج برگزار و دست‌کم یک میلیارد تومان برای این جشن هزینه کرده بودند.

حسین پنجک که مافیای کوکائین در پایتخت راه انداخته بود نه تنها موجب رعب و وحشت بسیاری برای همسایگان شده بود، بلکه خانه فسادش که جرائم بسیاری در آن اتفاق می‌افتاد، همسایه‌ها و مردم را عاصی کرده بود. شاید به همین دلیل بود که پلیس بعد از دستگیری‌اش او را در محل زندگی‌اش چرخاند و این باعث خشودنی و آرامش مردم شد.

تحقیقات از اعضای این باند مدت‌ها به طول انجامید و مأموران با

انجام تحقیقات گسترده موفق شدند اموال زیادی از این باند در

شمال تهران، کرج و برخی شهرهای شمالی کشور که همگی از

راه قاچاق موادمخدر به‌دست آمده بود کشف کنند.

سرانجام با گذشت ۹سال از دستگیری اعضای این باند، آنفر از

آنها از جمله سر کرده‌شان که با رأی دادگاه به اعدام محکوم شده

بودند و حکم‌شان از سوی قضات دیوان عالی کشور مهر تأیید

خورده بود صبح دیروز (چهارشنبه) پای چوبه دار منتقل و پس

از انجام تشریفات قانونی اعدام شدند.

اخاذی دلاری از خانواده گروگان‌ها

سریال گروگانگیری افراد جوانی کار و اخاذی از خانواده‌های آنها تمامی ندادرد و در تازه‌ترین اتفاق آدم‌ربایسان به بهانه استخدام، افرادی را که در جست‌وجوی کار بودند، در زیرزمین خانه‌اجرای گروگان گرفته تا دست به اخاذی ۳تا ۵هزاردلاری از خانواده‌هایشان بزنند. به گزارش همشهری، چندی قبل مردی به اداره پلیس رفت و گفت: پسر ۱۹ساله‌اش را ربوده‌اند. وی توضیح داد: پسرم برای تفریح با دوستانش از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. بعد از چند روز چند نفر از شناسایی من با تماس گرفتند و درخواست ۳هزار دلار پول کردند. آنها می‌گفتند که پسرم را گروگان گرفته‌اند و اگر این مبلغ را تهیه نکنم، جانش را می‌گیرند. ما از ترس اینکه مبادا جان پسرمان را ازگیرند، طلاهایمان را فروختمیم و آچار دلاری را به آدرسی که اعلام کردند، فرستادیم اما هنوز خبری از آزادی پسرمان نشده‌است.

به‌دنبال اظهارات این مرد افغان، جست‌جوی کارآگاهان آغاز و به شناسایی مخفیگاه آدم‌ربایان منجر شد؛ زیرزمین یک ساختمان مسکونی در پردیس، مأموران راهی آنجا شدند اما از خبری از آدم‌ربایان نبود. در آنجا به جز پسر ۹ساله افغان، ۲ جوان دیگر که گروگان گرفته شده بودند، نجات یافتند. از سوی دیروز بررسی‌هایشان داد که آدم‌ربایان با مدارک جعلی زیرزمین را اجاره کرده بودند تا گروگان‌ها را در آنجا نگهداری کنند. پسر نجات یافته گفت: من در جست‌وجوی کار بودم که یکی از هموطنانم گفت: برایم کار پیدا کرده‌است. او می‌گفت: یک شرکت، نیرو استخدام می‌کند و من بی‌خبر از همه‌جا، راهی آدرسی که دوستم تلفنی اعلام کرده بودی، شدم اما پس از ورود متوجه شدم که خبری از کار نیست. آدم‌ربایان یک شرکت هم‌ی راه انداخته بودند که افغان‌ها را گروگان گرفته و از خانواده‌هایشان اخاذی می‌کردند. به جز من، ۵نوجوان و جوان کم‌سن و سال در آنجا گروگان بودند. آدم‌ربایان هر روز ما را تکت می‌زدند و روزی یک وعده بیشتر به ما غذا نمی‌دادند. آنها با خانواده گروگان‌ها تماس می‌گرفتند و بین ۳۰ تا ۵۰هزار دلار از هر نفر اخاذی می‌کردند. حتی گاهی درخواست ارز دیجیتالی می‌کردند و بعد از ما می‌خواستند تا افراد دیگری را به بهانه کار به اسارت بگیرند. آنها می‌گفتند تا آزادمان کنند.

۲ جوان دیگری که نجات یافتند، سرنوشت‌شان مانند جوان ۱۹ساله بود. آنها هم در جست وجوی کار بودند که به دام آدم‌ربایان افتاده بودند. آنها می‌گفتند که قرار بوده به‌زودی خانواده‌هایشان پول را تهیه و به‌حساب آدم‌ربایان واریز کنند تا آزاد شوند. آدم‌ربایان به حدی گروگان‌ها را تهدید کرده بودند که آنها از ترس جان خود و اعضای خانواده‌شان، جرأت نمی‌کردند از اسارت‌شان نجات‌شان تا مجاب‌بایی سرشان بیاید. اغلب آنها مجوز قانونی برای زندگی در ایران را نداشتند و می‌ترسیدند پس از خروج از خانه دستگیر شوند.

بنا بر این گزارش، تیمی از مأموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران به دستور قاضی غلیم سهرابی تحقیقات خود را برای بازداشت متهمان آغاز کرده‌اند.